

## هنگامه ها در رفع نقیصه ها

### سزودهمین هنگامه

امیرفیض- حقوقدان

همه درانتظارپیام شهریارایران بمناسبت آغاز سومین سال اعلام سلطنت اعلیحضرت بودیم که خوشبختانه انتظار، جامه عمل یافت وپیام، باعنوان زیر انتشاریافت:

### پیام اعلیحضرت رضاشاه دوم شهریارایران بمناسبت آغاز سومین سال اعلام سلطنت

#### نهم آبانماه ۱۳۶۱

پیام درحد سه ونیم صفحه سنگراست وباعبارت ذیل شروع شده است:

دوسال پیش، درچنین روزی مسئولیتی راکه بموجب قانون اساسی ایران برعهده من گذاشته شده بود پذیرفتم

\_\_ اکنون نزدیک ۴ سال از سلطه این رژیم مرگ و وحشت میگذرد ولی قطعا این مدت کافی بوده تا ماهیت چنین رژیمی راچنانکه باید بشناسید.

\_\_ امروز به حکم تاریخ، پاسداری از موجودیت ایران وهویت ملی ومیراث پرافتخار فرهنگی بعهده همه ماست وفرد فرد ما دراین مورد مسئولیت داریم. من این مسئولیت رابرای هرایرانی بدون استثناء والبته قبل از همه برای خودم بدون توجه به اختلاف سلیقه های سیاسی واجتماعی افراد قائلم .

\_\_ من به هرعقیده ومرامی که درچهارچوب قانون اساسی مشروطه ایران درراه مصالح مملکت بکوشد احترام میگذارم.....

\_\_ توجه داشته باشیم که مهمترین وظیفه هرایرانی واقعی، مبارزه بااین رژیم ستمگروناصالح، بااستفاده از همه امکانات وهمه نیروهاست. روز سرنوشت درپیش است ومسلم است که درآن روزمن درداخل خاک وطن درکنار شما خواهم بود

.....

(متن کامل پیام درسنگر ۱۲ آبانماه ۱۳۶۱)

### پژوهشی درپیام شهریارایران

به تبعیت رسم سنگر، پژوهشی درپیام شهریارایران معمول گشت که اشاراتی از آن آورده میشودو

\*\*\*\*

بارز ترین مبانی اعتقادی پادشاه دراین پیام، تاکید قبول مسئولیت سلطنت وپذیرش راه مبارزه است که شهریارایران آنرا برمحوروظیفه مقدس ملی، محکم واستوارساخته اند.

جایگاه دیگرسخن پادشاه، احترام عقایدی است که درچارچوب قانون اساسی مشروطه، درراه مصالح مملکت کوشایند

**یکم - مسئولیت سلطنت**

در رساله «سلطنت و مسئولیت» که بمناسبت روزهای چهارم ونهم آبانماه امسال (سال ۱۳۶۱) از سوی سنگرانتشاریافت تا آنجاکه میدان رساله اجازه میداد از مسئولیت سلطنت سخن آمده است .....

• مسئولیت، فرع بوظیفه است، کسیکه وظیفه و تکلیفی ندارد، مسئولیت هم ندارد. شهریارایران با آگاهی براین حقیقت است که از مسئولیت خود بانام وظیفه مقدس ملی یاد فرموده اند.

ابعاد مسئولیت شهریارایران همان است که درسوگندمقرر دراصل ۳۹ متمم قانون اساسی مذکور شده است. سوگند سلطنت که بوسیله اعلیحضرت اتیان شده میثاقی است که بین پادشاه باملت ایران وبانظارت وشهادت خداوند برقرار گردیده است .....

شهریارایران با اعلام مراتب زیر:

- قبول سلطنت و اتیان سوگند مقرر دراصل ۳۹
  - غاصب شناختن رژیم جمهوری اسلامی
  - وابسته دانستن جمهوری اسلامی به بیگانگان
  - شناخت مسئولیت خود بعنوان یک وظیفه ملی
  - وقف وجود خویش در راه انجام مسئولیتی که قانون اساسی برعهده ایشان نهاده است
  - به تداوم رژیم پادشاهی وفلسفه قانون اساسی مشروطه ایران تاکید قاطع فرموده اند و براین اساس اعتقادی است که فرموده اند:
- «من بهر عقیده و هرمرامی که در چهارچوب قانون اساسی مشروطه ایران در راه مصالح مملکت بکوشد احترام میگذارم»

\*\*\*\*

فرزندان ایران

«روز سرنوشت درپیش است و مسلم است که در آئروز من در داخل خاک وطن درکنار شما خواهم بود و همگی پرچم مبارزه راهمراه یکدیگر به دوش خواهیم داشت»

شاه

\*\*\*\*

قدرت تفکر، به انسان امکان میدهد که تحقق بیانات شاه رامجسم سازد وشکوه وجلوه آنرا به تمنای دل در افق روشن ایران از هم اکنون تماشا کند.

وه چه پر جلال شادی بخش است که در رستاخیزی بزرگ پرچم شکوهمند ایران پادشاهی برفراز لاشه دریده شده حکومت اسلامی باهتزاز درآید وشهریارایران در میان میلیون ها قلب آکنده از مهر به شاه وایران در دریائی از هیجان وشور بی مانند قدم بخاک وطن بگذارند ودوش به دوش ملت باملت ایران به تطهیر خاک وطن از ناپاکان ودشمنان بپردازند.

این تخیل نیست فرمان تاریخ است. این چنین باید بگردد، تاکه ایران بازگردد.

باید پرچم مبارزه بدست پادشاه که دست ابدی ایران است به دوش ایران پناهان و ایران مداران، نهاده شود. حکم نظم و نظام مبارزه این است که مبارزین بافرمان یک فرمانده، که مشروعیتش از قانون اساسی و قدرتش متجلی از قدرت معنوی سلطنت است بادشمن وطن بجنگد.

مبارزه، اگر فاقد این نظم بود، مبارز نیست، ارانه احساس و عشق و یاکینه و نفرت است، آشوبگری آرام و ابراز تکلیف فردی است که جانش کوتاه و عمرش بی دوام است .....

اعلیحضرت در این پیام پرمفهوم، میعادى باملت نهاده اند که یگانه اسباب انجام آن مبارزه است، مبارزه در تمام اشکال و جبهه ها و با همه امکانات و استفاده از قدرتها.

کدام قدرت برتر از قدرت پادشاهی است؟ کدام قدرت آشنای ملت ایران است جز پادشاهی؟ کدام قدرت انتظار ملت است جز پادشاهی؟ کدام قدرت حق است الا رژیم پادشاهی؟

### **از شهریار ایران میخواهیم که با فرمان خود مبارزه رهائی بخش را با این قدرت مسلح سازند.**

\*\*\*\*

ای ایرانی که میخواهی برای وطنت بجنگی، فراموش نکن که، هر نوع تلاشی برای رهائی ایران ما، برای وحدت نیروها، برای سازندگی ایران فردا، برای سرکوبی ملاحا، باید بانیر و مولاتی که برخاسته از عادت ملی ما ایرانیان است بناشود و گرنه فرو میریزد چنانکه یکی پس از دیگری به مجرد بوجود آمدن فرو ریخته است.

هیچ وحدتی، هیچ سازمانی، هیچ مبارزه ای، هیچ شرافتی، هیچ آبرویی، هیچ امیدی، و ابدا، ابدا و وطنی باقی نخواهد ماند، اگر قدرت سنتی پادشاهی در زمینه های معنوی که قرنها گامهای استواری بر آن نهاده است بر میثاق قانون اساسی مشروطه محکم و مصمم، حرکت متهورانه خود را آغاز نکند.

عادت ملی ما چنین است که به یک قدرت، به یک نام، یک ناجی سنتی و به یک عزیز ایران چشم دوخته ایم.

منتظر چه هستند و هستیم که این تمنا را بعمل مفتخر سازند؟ منتظریم که ۴ سال کنونی به ۱۴ سال و ۴۰ سال برسد؟؟

( پایان سیزدهمین هنگامه به امید ادامه آن )